

نسبت اسلام با فرایندهای انسانی فرا نظریه سلام (SALAM)

طرح مدلی (بنیادی-کاربردی) در (ساختار، منابع، مبانی و ارزیابی) آثار هنری، معماری و شهرسازی از منظر اسلامی (راهبردها، راهکارها، راه حل ها و نقد فرایندهای انسانی)



عبدالحمید نقره کار *

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۶/۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۹/۱۳

چکیده:

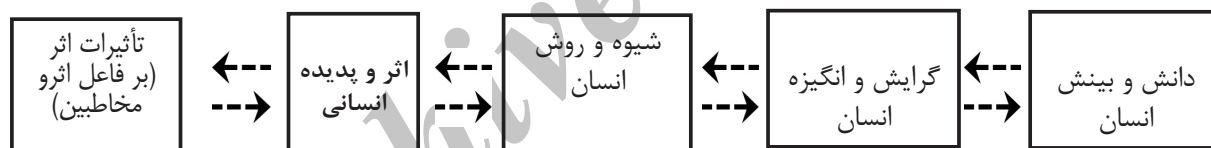
در جهت ارائه نقشه راهبردی تحقق تمدن نوین اسلامی، درحوزه‌های مختلف و ابعاد متنوع آن باید از، مدلی بنیانی و کاربردی را که مبتنی بر ساختاری علمی و منطقی و جهانی است، ارائه نمود و سپس محتوای آن را مبتنی بر فرهنگ اسلامی (کلام الهی و سنت معصومین)، منطبق بر حقایق هستی از عالم و آدم مورد بهره برداری قرار داد سپس بر اساس مبانی آن مدل، ارزیابی آثار را ارائه نمود. در غیر این صورت اهداف انقلاب اسلامی که اهدافی انسانی، فراملی و تاریخ ساز است هرگز محقق نخواهد شد. این رساله بر این باور است که این مدل ساختار کلی، مراحل، منابع و مبانی هر یک از مراحل آن به صورت عمیق و خطاناپذیر مبتنی بر مکتب الهی اسلام، قابل ارائه می باشد. در عین حال این ساختار از بعد علمی، عقلانی و وحیانی نیز قابل تحقیق، تبیین و اثبات است یعنی هم به صورت درون دینی و هم برون دینی اثبات پذیر است. این ساختار کلی، که شامل حقایق عالم (عوالم وجود) و آدم (استعدادهای بالقوه و بالفعل، اراده، اختیار، آثار و سیر هبوطی و عروجی انسان) می باشد همه در ذیل (مشیت و قضا و قدر الهی) قابل تبیین و تحلیل است. روش تحقیق در این رساله مبتنی بر ساحات و مراتب عقل (استدلال منطقی) و مبتنی بر نقل (کلام الهی و سنت معصومین(س))، روشی استنباطی، اکتشافی و تفسیری می باشد. منابع خطا پذیر تحقیق (عقل تجربی و اجماع خبره گان) و منابع خطاناپذیر و داور آن (آیات قرآن و سنت معصومین(س)) خواهد بود. مهمترین دستاورد این تحقیق، تبیین ساختار کلی فرایندهای انسانی، مراحل و منابع اسلامی آن و بخصوص مبانی و اصول (راهبردی-مفهومی) و راهکارهای (کاربردی-عملی) و راه حل های اجرایی مبتنی بر اصول دهگانه اجتهاد در شیعه و ارائه مدلی برای (ارزیابی آثار) از منظر اسلامی است. در عین حال در هر مرحله مکاتب منحرف و ناقص معاصر غربی (نوگرایی و فرانوگرایی) مورد ارزیابی و نقد قرار می گیرند. دستاوردهای این تحقیق در کلیه مباحث آموزشی، پژوهشی و اجرایی، بخصوص در رشته های میان دانشی نظیر گروه های هنری و معماری و شهرسازی، قابل استناد و بهره برداری است. این تحقیق در مجموع به ارائه یک نظریه جدید (انکشافی و تفسیری) با نام سلام (SALAM) در حوزه فرایندهای انسانی و رشته های هنری و معماری و شهرسازی می پردازد. این تحقیق مقدمه ای در جهت تبیین نقشه راه تمدن نوین اسلامی در کار گروه هنر، معماری و شهرسازی نیز می باشد. نتایج این تحقیق در تعدادی نمودار و جدول جمع بندی شده است.

واژه های کلیدی: ارزیابی، فرآیند، اسلام، معماری، راهبرد، راه کار، راه حل، اجتهاد.

۱- محتوای این رساله با عنوان (نسبت اسلام با فرایندهای انسانی در ذیل مشیت الهی)، رویکرد و مدلی در ارزیابی و تحلیل آثار (هنری و معماری و شهرسازی) با نام مدل سلام (SALAM) و به عنوان یک نظریه انکشافی در فرایند دآوری می باشد.

های این مکتوب، بر پایه مکتب اسلام و منابع و مبانی آن می باشد. در محتوا و روش این تحقیق علاوه بر منابع و مبانی اسلامی، بطور خاص از نظریات حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی در حوزه « علم دینی » بر حسب مورد بهره برداری شده است. از آنجا که فرایندهای انسانی بطور عام و از جمله خلق آثار هنری و معماری و شهرسازی دارای مباحث مشترک در فلسفه هنر می باشند، این مقاله به مشترکات این حوزه نیز می پردازد. ساختار محتوایی این رساله می تواند در حوزه های آموزشی، پژوهشی، فرایندهای طراحی، روش تحقیق و ارزیابی و نقد آثار مبتنی بر فرهنگ اسلامی مورد بهره برداری دانش پژوهان قرار گیرد.

ساختار وساحات خلق آثار هنری، معماری و شهرسازی و به طور کلی هر نوع فرآیند انسانی (گفتار، رفتار و آثار) را مبتنی بر جایگاه طولی هریک، می توان به پنج مرحله کلی و اجمالی طبقه بندی نمود (نمودار شماره- ۱)



نمودار شماره - ۱ - ساختار و مراحل پنجگانه در خلق فرایندهای انسانی

در فرایند خلق آثار انسانی (هنری و معماری و شهرسازی) پنج مرحله اصلی در ساختار آن دخالت دارند. این مراحل و نوع ارتباط هر یک از آنها در همه فرایندهای انسانی جبراً و خودآگاه یا ناخودآگاه همواره مطرح هستند. آنچه دستاوردهای انسانی را، از یکدیگر متمایز می نماید، محتوای این فرایند است و آنچه معیار ارزیابی محتوای فرایندهای انسانی است، مکتبی می تواند باشد که با (حکمت نظری) خود، عالم و آدم و روابط آن‌ها را تبیین نموده و با (حکمت عملی) خود ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را تشریح و معیارهای (زیبایی و زشتی) و (فلسفه هنر) را ارائه نموده باشد. از منظر اسلامی مکاتب بشری نمی توانند انسان و غایت او را، جامع

مقدمه
در جهت تحقق معماری و شهرسازی، متناسب با فرهنگ اسلامی و مجموع شرایط کشور ایران و طراحی نقشه راه تمدن نوین اسلامی، لازم است ابتدا مدلی (بنیانی - کاربردی) از ساختار کلی و مراحل این فرآیند را ارائه و منابع و مبانی آنرا تبیین نمود، سپس راهبردها، راهکارها، راه حل های آنرا مبتنی بر فرهنگ اسلامی بررسی و تشریح کرد. آنگاه از طریق مدلی بتوان ابعاد و عناصر مختلف آثار هنری و معماری و شهرسازی را مورد ارزیابی و نقد قرار داد. در این مقاله نگارنده تلاش می نماید مراحل این ساختار را بر اساس محتوا و مبانی آن از یکدیگر تفکیک نماید، تا از مغالطه های معمول و پیش فرض های مغلوپ موجود جلوگیری نماید. یکی از مهمترین مغالطه های موجود، ساختار شکنی حقایق و ارزش های انسانی با بهانه خلاقیت و نوآوری است، در صورتی که با حفظ ارزش ها و صفات مفهومی، می توان میلیاردها ماده و صورت های جدید خلق نمود، نظیر معنای مشترک برای نوع انسان و عدم تشابه در خلق میلیاردها انسان در طول تاریخ، پیش فرض

در فرایند آموزش و محتوای آموزشی برای رشته‌ها و گرایش‌های میان‌دانشی، نیز راه‌گشا باشد.

جمع‌بندی شماره ۱

۱) فرایندهای انسانی جبراً دارای مراحل پنج‌گانه فوق می‌باشند.

۲) آزادی انسان، مبتنی بر محتوای این فرایند از مرحله اول تا چهارم محقق می‌شود.

۳) ارزیابی فرایندهای انسانی بدواً مبتنی بر پیش فرض‌ها و ارزش‌هایی است که در مکتب اعتقادی فاعل اثر و در هر مرحله مطرح شده است.

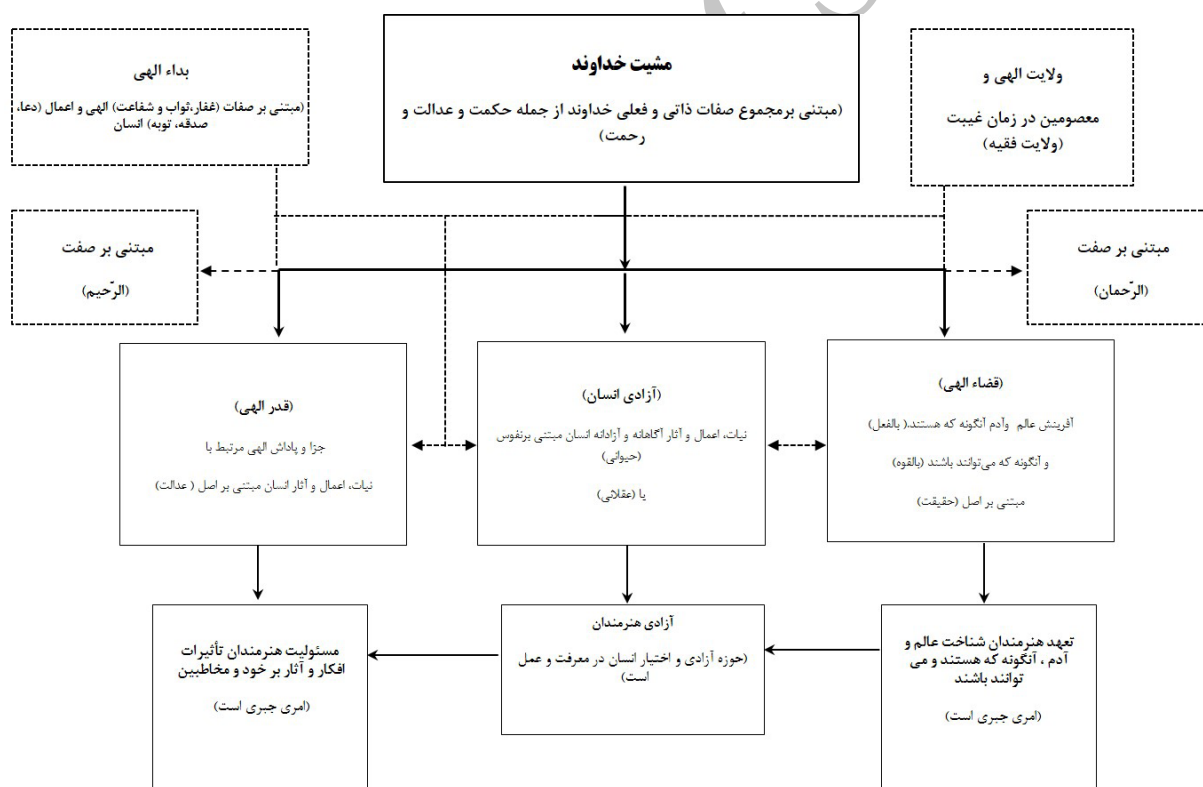
۴) از منظر اسلامی و در نهایت، مکاتب بشری خطاپذیر و ناقص هستند، مکاتب الهی نیز دوچار تحریفاتی شده‌اند و

تنها مکتب اسلام است که مبتنی بر (کلام الهی و سنت معصومین(س)) خطاناپذیر و جامع و مانع باقی مانده است و می‌تواند آثار انسانی را در همه ابعاد و عمیقاً ارزیابی و نقد نماید.

نکته بسیار مهم

آیا فرایندهای انسانی در یک نظام تصادفی، بدون جهت، هدف و غایتی خاص تحقق می‌یابند و یا فرایندهای انسانی در ذیل نظامی حکیمانه و عادلانه و با جهت و غایتی خاص تدبیر شده‌اند؟

از منظر اسلامی، جهان هستی و فرایندهای انسانی در ذیل (مشیت وقضا و قدر الهی) سامان یافته‌اند. این نظام در (نمودار شماره ۲) ارائه شده است.



نمودار شماره ۲- فرایندهای انسانی در ذیل مشیت الهی

۴) انسان‌ها قبل از عمل (متعهد) شناخت عالم و آدم و بعد از عمل (مسئول) نیات، اعمال و آثار خود هستند.

۵) بنا بر این آزادی انسانها (هنرمندان) مطلق نیست و آزادی آنها مبتنی است بر شناخت حقایق و واقعیت‌های عالم و آدم، آنگونه که هستند و می‌توانند باشند و سپس مسئولیت‌پذیری در قبال افکار، نیات و آثار خود.

نسبت اسلام با مرحله اول در فرایندهای انسانی

آیا اسلام به عنوان یک مکتب و دین الهی، در مورد مباحث میان دانشی، نظیر خلق آثار هنری، معماری و شهرسازی، مطالبی را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مطرح نموده است یا خیر؟

خداوند در قرآن حکیم می‌فرماید: «و بیاد آور روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان بر ایشان بر انگیزیم و تو را بر آنها گواه آوریم و این کتاب (قرآن) را که روشن‌گر هر چیزی است (تبیان لکل شیء) و برای مسلمانان، هدایت و رحمت و بشارت‌گر است، بر تو نازل کردیم»^۳

چنانچه از آیه فوق ملاحظه میشود، خداوند کتاب قرآن را تبیین‌کننده هر چیزی معرفی می‌نماید، نه تنها در بُعد نظر و شناخت، بلکه مسلمانان یعنی عمل‌کنندگان به احکام عملی آنرا، به هدایت و رحمت، بشارت میدهد و در کنار قرآن وجود پیامبر اکرم (ص) (سنت نبوی) را، گواه و شاهد برای سایر انبیاء و پیامبران و متقابلاً آنها را گواه و شاهد برای امت‌های خودشان معرفی می‌نماید. یعنی:

۱- قرآن واجد دو بُعد بنیانی حکمت نظری یا (جهان بینی) و حکمت عملی یا (ایدئولوژی) و ارزش‌های اخلاقی میباشد.

۲- پیامبر اکرم (ص) به عنوان (مفسر معصوم) قرآن و نحوه عمل او به عنوان الگو و شاهد برای سایر انبیاء و آنها شاهد و حجت بر امت‌های خود می‌باشند.

پیامبر اکرم (ص) نیز در آخرین وصیت، برای بعد از خود، به دو میراث عظیم و جاودانی و غیر قابل تفکیک برای رستگاری همه انسان‌ها توصیه و تأکید می‌نماید یعنی کتاب خدا و عترت معصوم خود^۴، دوازدهمین امام معصوم (س) نیز در زمان غیبت، به (ولایت فقیه) در کنار قرآن توصیه نموده‌اند.^۵

اگر در آیه فوق، وجه هستی‌شناسی و جهان بینی قرآن، بیشتر برجسته شده است، در آیات بعدی به رعایت احکام

چنانچه در نمودار شماره ۲ ملاحظه می‌فرمایید، نظام هستی مبتنی بر صفات ذاتی و فعلی خداوند، بهترین نظام ممکن (نظام احسن) بوده و بر اساس صفت حکمت یعنی (تشخیص و داوری بین، حق و باطل، خیر و شر و زیبایی و زشتی) و صفت عدالت یعنی (قرار دادن هر چیز در جای مناسب و شایسته آن) و صفت رحمت یعنی (جهت‌گیری تکاملی برای همه پدیده‌ها و بطور خاص انسان‌ها) طراحی و خلق شده است. هستی عالم و آدم، مبتنی بر رحمت عام الهی، یعنی صفت (الرحمان) به صورت بالقوه و بالفعل تحقق یافته است. در این نظام، انسان موجودی است مرکب، دارای دو نفس (حیوانی) و (عقلانی). انسان تنها موجودی است که می‌تواند آزادانه یا از نفس حیوانی (حسی-غریزی) خود و یا از نفس عقلانی (معنوی و روحانی) خود اطاعت کند و فرایندهایی را خلق و ایجاد نماید. نظام هستی در مقابل فرایندهای انسانی بی تفاوت، خنثی و منفعل نیست، بلکه کوچکترین نیات، اعمال و آثار انسان‌ها را در نظر دارد. فرایندهای عالمانه، عقلاانه و معنوی آن‌ها را، مبتنی بر صفت (الرحیم) خود پاداش تکاملی می‌بخشد و فرایندهای غیر حکیمانه و ظالمانه آن‌ها را بر اساس صفت عدل خود، جزاء عادلانه می‌دهد. در این نظام احسن، با حفظ آزادی انسان‌ها، جهت‌گیری و غایت نهایی، تکاملی و مثبت طراحی و خلق شده است. در این نظام (آزادی انسان) بین دو جبر یعنی (قضا و قدر الهی) تبیین می‌شود.^۶ (ابن شهر آشوب، متشابه قرآن و مختلفه، ۱۳۶۴، ج ۱ ص ۱۹۳)

در این نظام انسان (متعهد) است، خود و عالم را آنگونه که هست و می‌تواند باشد، دقیقاً و عیناً بشناسد، سپس آزاد است در جهت مثبت یا منفی عمل نماید (مراحل دو، سه و چهار از نمودار شماره ۱- و در نهایت (مسئول) نیات، اعمال و آثار خود می‌باشد.

جمع بندی شماره ۲

۱) فرایندهای انسانی در ذیل نظام کل هستی و مشیت حکیمانه، عادلانه و رحمانی الهی، قابل تبیین و تشریح است.

۲) مشیت الهی از طریق (قضا و قدر) و صفات (رحمان و رحیم) خود، جهت‌گیری تکاملی هستی را تضمین نموده است.

۳) آزادی انسان و فرایندهای او بین دو جبر (قضا و قدر الهی) محاط می‌باشند.



که منشأ تفریع یعنی (اجتهاد) فروع دیگر هستند، القاء می نماید «ایشان در تشریح و اثبات نظریه خود در رابطه علم و دین می فرمایند، دین شامل تمام علوم می شود و علم غیر دینی وجود ندارد و در تحقق آن به سه مرحله اشاره می نمایند:

(۱) قرار دادن منبع (عقل) در مجموعه معرفت دینی (یعنی در کنار منبع نقل و سنت معصومین (س))
(۲) تنفیذ و امضای قرارداد های عقلانی در شرع (یعنی پذیرفتن بنای عقلاء به عنوان علم ظنی و خطا پذیر، که تا نقض نشود اعتبار علمی دارد).

(۳) تبیین کلیات بسیاری از علوم با دلیل نقلی^۹ (یعنی اصول فرا زمانی و فرا مکانی آن توسط نقل است و در عمل با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی احتیاج به تفریع یعنی اجتهاد دارد.)

نظریات خود را با دو روش تحقیق (استدلال منطقی) و (تفسیری) به اثبات می رسانند.^{۱۰}

در نمودار (شماره ۳-۳) نظریات آیت الله جوادی آملی در مورد نسبت اسلام با مجموع علوم نسان داده شده است. و در نمودار (شماره ۴-۴) روش تحقیق در مباحث میان دانشی از منظر اسلامی در چهار بعد منابع معرفتی، ابزار معرفتی انسان، شیوه های معرفتی و مصادیق معتبر مورد تبیین قرار گرفته است.

نمودار شماره ۳-۳ نظریات آیت الله جوادی آملی در رابطه با مکتب اسلام

رابطه مکتب اسلام با علوم^۱

(منابع مبانی و روش های تحقیق)

آنچه (علمی) است، (عقلانی) است

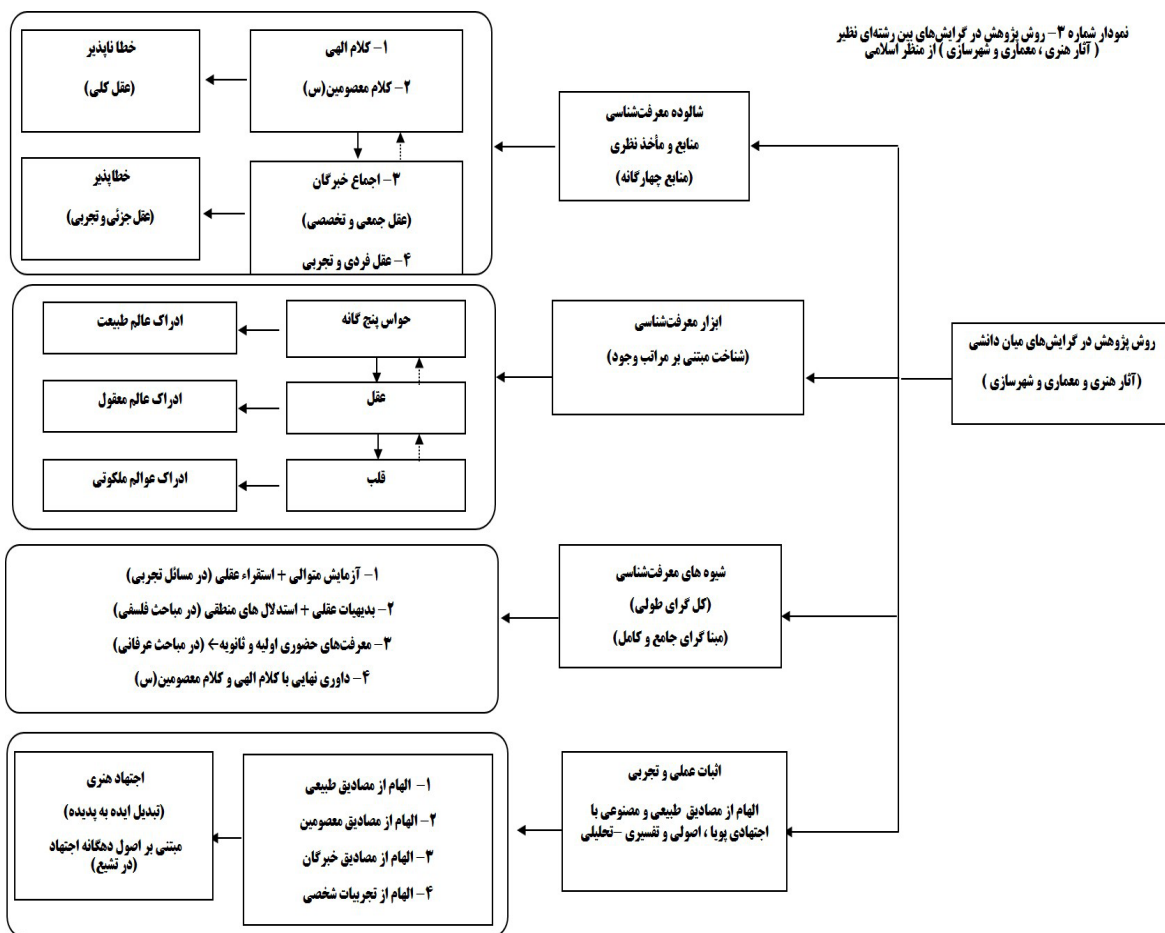
آنچه عقلانی است، (اسلامی) است^۲

اسلام مبتنی بر دو منبع (عقل و نقل)^۳

با روشهای (استدلال منطقی) و (تفسیری)
(کلیات همه علوم) را مطرح نموده و (اثبات) می نماید.

دستاوردهای علوم تجربی (استقرایی) نیز تا نقض نشود اسلام به عنوان (علوم ظنی) می پذیرد.
بنابراین مکتب اسلام جامع علوم (بشری و وحیانی) است.

نمودار شماره ۴- روش پژوهش در گرایش های بین رشته ای نظیر (آثار هنری ، معماری و شهرسازی) از منظر اسلامی



نمودار شماره ۴- روش پژوهش در گرایش های بین رشته ای و معماری از منظر اسلامی

آثار هنری و معماری را می توان با توجه به اصول ده گانه اجتهاد شیعی (نمودار شماره ۴) و مجموع عوامل و شرایط زمانی و مکانی به طور نسبی و متنوع از اصول ثابت فطری و انسانی اجتهاد نمود و به خلق سبک های نوین و آثار بدیع و اصیل پرداخت. این فرایند را امام صادق (ع) در حدیث مشهوری ابلاغ نموده اند.^{۱۱}

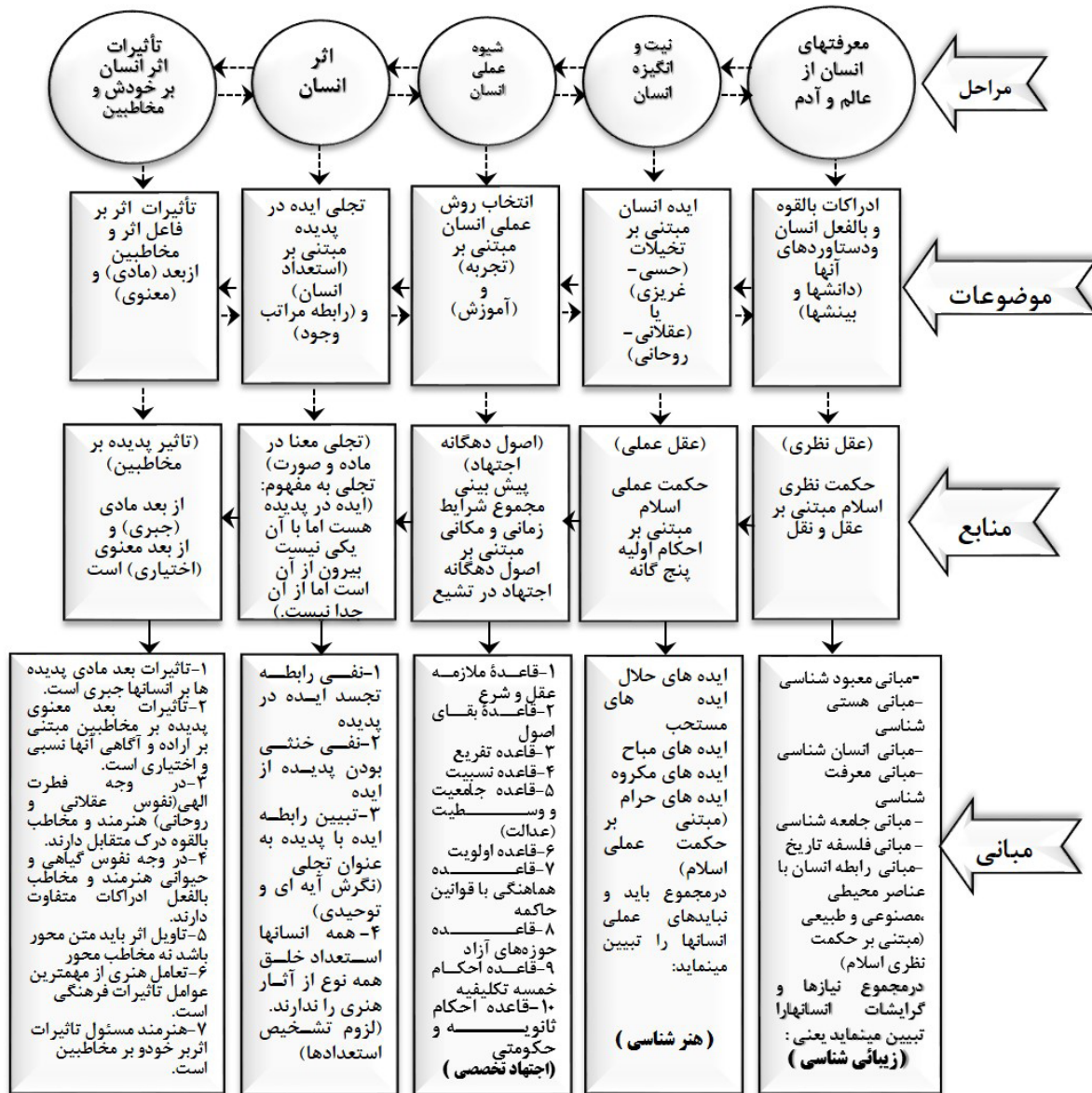
بنابر این از طریق منابع و مبانی اسلامی به عنوان شالوده نظری می توان موضوعات را از طریق منابع عقلی و با روش (استدلال منطقی) به صورت (برون دینی) یعنی کسانی که منکر علمی بودن منابع نقلی و وحیانی هستند مورد بحث و استدلال قرار داد و هم به صورت (درون دینی) با کسانی که خطاناپذیر بودن منابع نقلی و وحیانی را پذیرفته اند با دو روش (استدلال منطقی) و روش (تفسیری - تحلیلی) بحث و استدلال نمود.

در نمودار شماره ۵ نسبت مکتب اسلام با هر یک از مراحل در فرایندهای انسانی را از بعد موضوعات، منابع و مبانی (اصول و قواعد حاکم) مطرح می نمائیم.

شالوده نظری این رساله برپایه فرهنگ اسلامی و شناخت شناسی آن درحوزه علوم انسانی و هنر، از منابع چهارگانه کلام الهی و راهنمایی ها و تفسیر معصومین (ع) و اجماع خبرگان ، فقیهان و اسلام شناسان و بدیهیات عقلی و منطقی و تجربی، در یک رابطه طولی برگرفته شده است. به گفته دیگر دریافت های عقلی - تجربی با معیار اجماع خبرگان محک می خورد؛ و داوری نهایی با کلام الهی و معصومین (ع) است. درحوزه عمل نیز برپایه اصول ده گانه اجتهاد در مکتب تشیع، تمام عوامل و شرایط زمانی و مکانی (عصری) مورد توجه و اجرا قرار می گیرد. با توجه به آنچه گذشت از منظر اسلامی در حوزه مباحث نظری صرفاً می توان به نوآوری در تفسیر و تأویل یا تعبیر و تدوین جدید از مضامین مشابه در کلام الهی و سنت معصومین (ع) پرداخت. این دیدگاه ها در مقابل نظریات رقیب می تواند نظریه ای جدید و بدیع شمرده شود؛ و در حوزه عمل برپایه معارف اسلامی و اصول ثابت فطری و فرازمانی و مکانی آن می توان با اجتهاد تخصصی و تجربی به ارائه راهکارهای جدید و عملی پرداخت. روش ها و شیوه های طراحی و خلق



نمودار شماره ۵ - نسبت مکتب اسلام با ساختار و مراحل پنج گانه در فرایندهای انسانی (از بعد مراحل و موضوعات، منابع و مبانی مربوطه)



نقد نماید و حقیقی یا توهمی و ناقص بودن، دریافت ها و دانش و بینشهای آنها را تشخیص دهد و تکمیل و اصلاح نماید. اسلام به صورت مستقیم در مورد موضوعاتی نظیر (معبود شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، جامعه شناسی، فلسفه تاریخ، رابطه انسان با محیط طبیعی

چنانچه در (نمودار شماره ۵-) ملاحظه می شود. مکتب اسلام در حکمت نظری و با هستی شناسی جامع و مانع و خطا ناپذیر خود و با ارائه راهبرد های مفهومی، نسبت به مرحله اول از ساختار و مراحل خلق آثار هنری و مجموع دستاوردهای انسانی، (نمودار شماره ۱) بی تفاوت نیست، بلکه می تواند، ادراکات و معرفت های انسانها را ارزیابی و

نیز، بی تفاوت نیست و می تواند رویکرد های عملی و جهت گیری ها و ایده آل های هنرمندان را مورد نقد و ارزیابی قرار دهد. احکام عملی و باید و نباید های اخلاقی ارائه شده در مکتب اسلام، مجموعه ای بی نظیر از اصولی ثابت و فرا زمانی و فرامکانی را برای سیر و سلوک عملی و تکاملی همه انسانها، مطرح نموده است و با ذکر مصادیقی از اعمال، رفتار و آثار معصومین (س) در شرایط بسیار متکثر و متنوع، روشهای عملی و اجتهادی آنها را تشریح نموده است.

نسبت اسلام با مرحله سوم از فرایندهای انسانی

نکته بسیار مهم مسئله اتخاذ روشها و شیوه های عملی و مناسب در جهت، تجلی ایده ها و ایده آل های فرا زمانی و فرا مکانی هنرمندان، در عالم طبیعت و جلوه های مادی و صوری آن است. زیرا عالم طبیعت بر خلاف مفاهیم که کلی و بسیط می باشند، دارای شرایطی نسبی، متکثر، متغیر و اعتباری، یعنی وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی می باشند.

مکتب اسلام با پذیرش و توصیه به اجتهاد و تبیین اصول دهگانه آن در مکتب تشیع، همه انسان ها و هنرمندان را قادر می سازد تا ایده آل ها و مفاهیم ذهنی خود را، با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی و به صورت آیه ای و نسبی در عالم طبیعت تجلی دهند. از این بُعد می توان گفت مکتب اسلام، با حفظ جهت، غایت و سیر تکاملی انسان، برای مجموع شرایط متنوع، متکثر، متغیر، اعتباری و نسبی زمانی و مکانی، راه حل ارائه نموده است، حتی برای شرایط موقتی و اضطراری نیز به صورت محدود و موقتی، کنار گذاشتن احکام ثابت را پیش بینی نموده است. مانند حکم اضطراری خوردن گوشت مردار، در شرایطی که جان انسان در خطر باشد، به مقدار حداقل لازم تا رفع شرایط اضطراری. (نمودار شماره ۶ -)

و مصنوعی و غیره) در حکمت نظری خود به صورت کامل مطالبی معصومانه، جامع و مانع و خطاناپذیر ارائه نموده است. این مطالب در دو منبع (کتاب الهی و سنت معصومین (س)) ما را قادر می سازد ضمن ارتقاء معرفت های خود، معرفت های دیگران را که منشأ و سرچشمه ایده ها، رفتار و آثار آنها است، مورد ارزیابی و نقد قرار دهیم و با عبرت از آنها، ایده ها، رفتار و آثار خود را نیز ارتقاء بخشیم.

نسبت اسلام با مرحله دوم از فرایندهای انسانی

مکتب اسلام در حکمت عملی خود با ارائه احکام پنجگانه (حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام) یعنی مجموع بایدها و نبایدها و ارزش های اخلاقی، به صورت کلی و مشترک برای کلیه فرایندهای انسانی و به صورت خاص برای هر یک از تخصص ها، نظیر معماری و شهرسازی باید و نبایدهائی را ارائه نموده است. این احکام در بعد مثبت آن همان یکصد صفت حسنی است که برای صفات ذاتی و فعلی خداوند در قرآن مطرح شده است (نظیر علیم، حکیم، مفید، قوی، بدیع و غیره) و انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین باید واجد همین صفات در نظریات و اعمال خود باشد و در بعد منفی احکامی نظیر حرام بودن عمل بدون علم، هر نوع کار پوچ و غیر مفید (کارهای لغوی، لعبی و لهوری)، انجام کار برای شهرت طلبی، اعجاب انگیزی و فخر فروشی، ایجاد هر نوع ضرر و زیان به غیر و ایجاد مزاحمت های همجواری، پیروی از هوای نفس، دنیا پرستی، ظاهرسازی و بت سازی (فورمالیسم)، کم کاری و کم فروشی، تغلب و کلاه برداری، اسراف و تبذیر و بسیاری از نبایدهایی که هنوز برای تخصص های خاص، جمع آوری و طبقه بندی دقیق نشده است. از این احکام با نام (فقه حکومتی) یاد می کنیم، به عنوان مقدمه ای برای (اجتهاد حرفه ای).

بنابر این مکتب اسلام، نسبت به مرحله دوم از نمودار فوق



نمودار شماره ۶-۶- اصول ده گانه اجتهادهای تخصصی در مکتب تشیع
 (در جهت اجتهاد حرفه ای مبتنی بر مفاهیم ثابت نظری و احکام اولیه عملی برای اتخاذ روشهای مناسب مبتنی بر تجلی ایده آلهای انسان در ماده و صورت هایی که وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی هستند و خلق آثار بدیع و اصیل)

۱- قاعده ملازمه عقل و شرع	ابزار اجتهاد، عقل است و احکام عقلی همان احکام شرعی است. و رعایت دستاوردهای آنها الزامی است. بنا براین رعایت مجموع دستاوردهای علوم تجربی نظیر استانداردها در معماری و سرانه ها در شهرسازی الزامی است.
۲- قاعده بقای اصول	اصول نظری و عملی بیان شده توسط سنت نبوی برخاسته از فطرت، و بی زمان هستند. (حکمت نظری و احکام پنجگانه حلال و حرام عملی)
۳- قاعده تفریع	فروع و جزئیات (روش ها و خلق آثار)، در پرتو (اصول ثابت)، با (تفریع عقلی) قابل استنتاج و اجتهاد تخصصی و حرفه ای هستند. (اجتهاد تخصصی، یعنی انتخاب ماده و صورت های مناسب برای ایده آلهای، با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی).
۴- قاعده نسبییت	فروع (روش ها و آثار) براساس مقتضیات زمان و مکان، کاملاً نسبی هستند. (آثار عناصری متکثر، متغیر و نسبی هستند)
۵- قاعده جامعیت و وسطیت (عدالت)	فروع یا آثار انسان باید همه جوانب و ساحات مختلف انسانی (و مجموع شرایط زمانی و مکانی) را در نظر بگیرند، زیرا اجزاء و عناصر آن متکثر، نسبی و تأثیر پذیرند. (در خلق آثار باید جمیع متغیر های آنها را در نظر گرفت)
۶- قاعده احکام خمسه تکلیفیه	فروع باید در اجراء، بر اساس احکام خمسه، تعیین اولویت و ضرورت کنند. (حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام)، احکام پنجگانه اسلامی، راهنمای همه انسانها در افکار، رفتار و آثار آنهاست در همه زمانها.
۷- قاعده رعایت اولویت ها	فروع باید با توجه کامل به اولویت ها و مصلحت ها شکل بگیرند. (در شرایطی که حقوق عناصر مختلف متضاد می باشند). در خلق آثار عناصر و اجزاء بسیار ی تأثیر گزارند، باید بر حسب اولویت، آنها را به صورت نسبی مورد نظر قرار داد. فروع نباید معارض با قوانین حاکمه و اصولی که حق و تو دارند باشند. (نظیر اصل لاضرر و لاضرار در اسلام). هر نوع ضرر و زیان به غیر، حرام تلقی می شود. (اصول و حقوقی در اسلام، حاکم و مهمتر از اصول و سایر حقوق است، باید آنها را رعایت نمود.
۸- قاعده حوزه های آزاد	فروع نباید حوزه هایی را که خداوند انسان ها را آزاد گذاشته محدود کنند. (احکام مباح)، بخشی از احکام حوزه آزاد برای انتخاب انسانهاست که باید رعایت نمود.
۹- قاعده احکام ثانویه (احکام حکومتی)	فروع (روش ها و آثار) و حتی اصول اولیه می توانند با نظر و اختیار ولی فقیه به طور موقت تغییر نمایند. (با توجه به مجموع شرایط ا و مصلحتی)، حاکم شرع (ولی فقیه) مبتنی بر مجموع شرایط زمانی و مکانی و مصلحت ها، می تواند احکام اولیه را برای مدت محدودی نقض و احکام ثانویه و حکومتی را اعلام نماید که لازم الاجراست.
۱۰- قاعده احکام اضطراری	در شرایط اضطراری که حق بزرگتری مورد تهدید است، از حق کوچک تر به صورت موقتی و محدود صرف نظر می نماییم، نظیر خوردن غذای حرام یا مکروه، هنگامی که جان انسان در صورت نخوردن آن غذا منجر به مرگ شود، تحت عنوان (اکل میت) در احکام اسلامی.



منفی تأثیر گذار را به صورت جامع شناخت و حدّ متعادل و مناسبی را برای پایداری آن پیش بینی نمود.

حضرت امام صادق (ع) در پاسخ فردی که از اصل حاکم بر خلقت جهان هستی، از ایشان سؤال نمود، از قول پیامبر اکرم (ص) می فرماید: "این جهان بر اساس عدالت برقرار و پایدار شده است"^{۱۴}. و حضرت علی (ع) در تشریح مفهوم عدالت می فرماید: (قرار دادن هر چیز در جای مناسب و شایسته آن)^{۱۵}.

در اصل ششم اسلام باید و نباید های عملی یعنی احکام اسلامی را، که متضمن سیر تکاملی انسانها است در پنج نوع طبقه بندی می نماید. احکام (حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام) که هر کدام در حکمت عملی اسلامی و منابع ۰ کلام الهی و معصومین) و اجماع (حکما و خبرگان) به صورت (مباحث اخلاقی) و (احکام عملی) مطرح شده است. این مباحث به صورت موضوعی نیز برای (اصناف مختلف) و اعمال (فردی و اجتماعی) انسانها تبیین و تشریح شده است .

در اصل هفتم (اولویت) از آنجا که ایجاد هر اثری در طبیعت تحت تأثیر و تأثر مجموعه ای از عناصر طبیعی و انسانی قرار می گیرد و گاهی این عناصر دارای حقوقی متضاد و متعارض می باشند در شرایط فوق باید آنچه را که در اولویت قرار دارند، حاکم نمود فرضاً در مباحث همجواری در معماری، رعایت حقوق همسایه ها در اولویت است. یا حقوق پیاده بر سواره در الویت است.

حضرت فاطمه (س) در پاسخ فرزندشان که سؤال می نماید، چرا همیشه اول برای همسایگان دعا می فرمایید؟ می گویند: (اول همسایه، سپس خانه)^{۱۶} و یا در شهر سازی در تعارض حقوق پیاده با سواره، در اسلام به رعایت حال ضعیف و (پیاده) در مقابل قوی (ماشین) تأکید و توصیه می نمایند. بنابراین در رعایت حقوق های متکثری که بر عمل و آثار انسان مترتب می شود، باید اولویت ها و جهت ها و غایتها و ایده آل های معنوی و تکاملی را اولویت بخشید.

بنابر این بعضی از قوانین در اسلام ، نسبت به سایر قوانین اولویت و حاکمیت دارند ، نظیر اصل عدم ظلم و ضرر به

تبیین و تشریح اصول دهگانه فوق و ظرفیت های آن در کمک به معماران و شهرسازان در جهت اتخاذ روش ها و شیوه های عملی در فرصت این مقاله نیست و مقالات مستقل و متعددی می طلبد. اما بطور اجمال می توان گفت: در اصل اول (ملازمه عقل و شرع) تمام دستاورد های علمی جهان از جمله علوم تجربی و مهندسی نظیر (استاندارد ها در معماری) و (سرانه های فضاهای شهری) در شهرسازی و غیره تا نقض نگردیده است باید مورد بهره برداری متخصصین قرار گیرد و رعایت آنها را شرعاً لازم می داند.

در اصل دوم (بقاء اصول) به خطا ناپذیر بودن و جامع و مانع بودن هستی شناسی اسلامی و راهبردهای مفهومی آن اشاره دارد و فرا زمانی و فرا مکانی بودن باید ها و نباید ها و احکام عملی اسلامی و رعایت ارزش های اخلاقی آن را تأکید و توصیه می نماید. یعنی هم آهنگی عالم تشریح با عالم تکوین.

در اصل سوم (تفریع) راه حل اجتهاد پویا و تخصصی برای تجلی ایده ها و ایده آل های مفهومی را، در مجموع شرایط زمانی و مکانی که متکثر، متنوع و متغیر هستند ارائه می نماید و نقش انسان آگاه، مختار و خلاق را در این فرآیند به صورت برجسته و شاخص نمایان می کند. مبتنی بر این اصل هنرمند می تواند با حفظ اصول ثابت، ایده های خود را به صورت خلاقانه در عالم طبیعت متجلی سازد.

اصل چهارم (نسبت) به ما یادآوری می نماید، که آنچه در عالم طبیعت حادث می شود، بر خلاف مباحث هستی شناسی

(جهان بینی ها) و احکام عملی (ایدئولوژی ها) که دارای اصولی کلی و ثابت هستند آثاری، دارای ماده و صورتی طبیعی هستند بنابراین با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی می توانند به صورت نسبی و اعتباری در این عالم و در مواد و صورت های متنوع عالم طبیعت تجلی یابند.

در اصل پنجم (جامعیت و وسطیت) به ما متذکرمی شود، که عالم طبیعت بسیار متنوع و متکثر بوده و همه اجزاء و عناصر آن در تحت تأثیر یکدیگرند و برای انجام عملی و ایجاد اثری باید، همه عوامل و عناصر مثبت و



دیگران^{۱۷}.

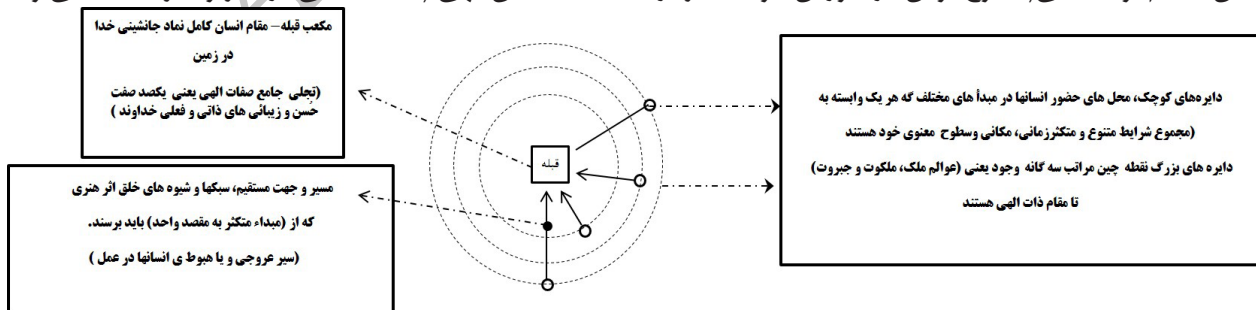
در اصل هشتم (حوزه های آزاد) همان گونه که در احکام پنجگانه، برای انسان کارها و خواسته هایی آزاد (مباح) دانسته شده است، بنابراین در این موارد نباید آزادی انسان ها، به خصوص در حوزه مسائل فردی و خانوادگی خدشه دار شود، ضمناً موارد مستحب و مکروه نیز، نباید مورد اجبار قرار گیرند.

در اصل نهم (احکام ثانویه و حکومتی)، حکومت اسلامی در زمان غیبت ظاهری معصوم (ولایت فقیه) می تواند در شرایط خاص و ضروری، احکام اولیه ای را که در آن شرایط خاص به مصلحت جامعه نیست تغییر داده و حکمی را بطور موقت و از روی مصلحت ابلاغ نماید. بطور مثال زمینی را که برای مسجد وقف شده و صیغه آن جاری شده، نمی توان به کاربری دیگری تبدیل نمود. ولی می توان با حکم حاکم شرع (ولایت فقیه)، زمین دیگری را برای مسجد در نظر گرفت و زمین مسجد را مثلاً برای اجرای بزرگراهی که مصلحت عمومی بوده و اجرای آن اجتناب ناپذیر است، قرار داد.

در اصل دهم یا (احکام اضطراری)، ممکن است در شرایطی غیر عادی و اضطراری، نتوان احکام اولیه را اعمال نمود و در صورت اعمال آن حق بزرگتری ضایع شود، در این صورت می توان از احکام اضطراری، که احکامی موقتی و فقط در شرایط اضطرار و در حد ضروری و محدود می باشند بهره برداری نمود. نظیر خوردن گوشت مردار، برای کسی که در صورت نخوردن آن گوشت در خطر مرگ باشد. چون جان انسان عزیزترین عنصر هستی است، بنابراین برای حفظ آن، حکم اولیه یعنی (ممنوع بودن در خوردن گوشت مردار

برای مدت محدود به حکم اضطراری یعنی (مجوز خوردن گوشت مردار) برای زمان و مقدار محدود داده می شود، تبدیل می شود.

چنانچه ملاحظه می شود، به کمک اصول دهگانه اجتهاد، انسان ها می توانند ضمن حفظ اصول ثابت و فرا زمانی و فرا مکانی خود، چه در بُعد نظری و چه در بُعد عملی، اعمال و آثار خود را با مجموع شرایط زمانی و مکانی وفق دهند و هیچگاه دچار بن بست و تردید و یأس نخواهند شد و نیز هرگز به صورت یک امر متعارف نیازی به ساختار شکنی اصول نظری و یا احکام عملی نخواهند داشت و همواره می توانند در هر شرایط پیچیده و نامتعیّن، راه را از چاه تشخیص داده و به صورت نسبی پاسخ گوی نیازهای مادی و معنوی انسان ها در اعمال و آثار خود باشند. و (ایده آلیسم را با رئالیسم) و (حقیقت را با واقعیت) در کارهای خود رعایت نمایند. عدم توجه به این اصول هنرمندان را یا در ایده آلیسم نظری و مفهومی غرق می کند و یا به دلیل رعایت مقتضیات زمان و خلاقیت و نوآوری، ارزش ها و اصالت ها را در آثار خود نابود و به اصطلاح (ساختار شکنی) می نماید. در نمودار (شماره ۷ - Y) راه حل رعایت مقتضیات متکثر زمانی و مکانی را در سبک های هنری و معماری با توجه به جهت و غایت مشترک و تکاملی انسان ها (هنرمندان و مخاطبین) با مثالی تصویری ارائه می نمایم. با پیش فرض انسان شناسی اسلامی، در نمودار فوق، خانه کعبه که قبله مسلمین جهان است و محل پذیرش توبه حضرت آدم (ع) و محل تولد انسان کامل حضرت علی (ع) بوده است، به مفهوم مقام قرب الهی، یعنی کسب یکصد صفت حُسن الهی (صفات ذاتی در نظر و معرفت شناسی و



نمودار (شماره ۷ - Y) شیوه ها و سبک های هنری که می توانند موقعیت های متکثر هنرمندان را با حفظ جهت و غایت های تکاملی، آثاری اصیل و در عین حال متنوع و خلاقانه ایجاد نمایند. (مفهوم سیر از کثرت به وحدت، از صورت به معنا و بالعکس).



آل و غایت تکاملی خود قرار گیرند. روش‌ها و سبک‌های هنری مانند این خط و جهت است، که مبدأ آن متکثر و مقصد آن یگانه است و از آن در فلسفه هنر دوران اسلامی، تعبیر می‌کنیم به (سیر از کثرت به وحدت) یا (از ظاهر به باطن) یا (از صورت به معنا)، که مهمترین رویکرد، در هنر دوران اسلامی است. چنانچه در نمودار فوق هم ملاحظه می‌شود، از هر نقطه حضور انسان، میلیاردها خط و جهت عبور میکند ولی تنها یک خط به صورت مستقیم به قبله میرسد، اما در عین حال با توجه به شرایط میتوان با خطوط غیر مستقیم (با حفظ جهت) نیز به مقصد نزدیک شد. بنابراین سبکها و شیوه‌های هنری از بُعد مادی و کالبدی وابسته به مجموع واقعیت‌ها و شرایط زمانی و مکانی هنرمند و مخاطبین او هستند و از بُعد معنوی و محتوایی باید دارای جهت و غایت مشترکی، که همان نیاز فطری و باطنی همه انسانها است، آثار خود را خلق نمایند.

شعار بنیادی اسلام (انالله و انالیه راجعون)^{۱۹} یعنی همه از اوئیم و بسوی او باز می‌گردیم، به همین مفهوم توحیدی، عملی و سیر و سلوکی اشاره می‌نماید. شرایط متکثر زمانی و مکانی نظیر، امکانات اقتصادی و امکانات اجرایی و غیره، نظیر مسافری است، که با توجه به شرایط و امکانات خود و مسائل سفر و مسیر آنرا برای رسیدن به هدف واحد انتخاب می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت هنرمندان و معماران می‌توانند با حفظ ایده آنها و ارزشهای ثابت نظری و عملی، با توجه به مجموع شرایط خود و مخاطبین، راه‌ها و سبکهای متنوعی داشته باشند، اما نه هر راهی و هر سبکی، زیرا فقط یک جهت و یک رویکرد کلی، آنها را به مقصد قبله یعنی (زیبائی جامع و کامل) می‌رساند. به نظر می‌رسد، آنجا که قرآن مجید به راه راست یعنی (صراط مستقیم) اشاره می‌نماید، همین یک جهت از بُعد (مقصد) آن می‌باشد و آنجا که به راه‌ها یعنی (سُبُل) اشاره می‌نماید، منظور به مبداهای متکثر و شرایط زمانی و مکانی متفاوت انسانها است.

برای مثال می‌توان به نحوه نماز خواندن مسلمانان در سراسر جهان اشاره نمود یعنی مبدأ و واقعیت‌های مکانی

صفات فعلی روش‌های عملی و اتخاذ سبک هنری) توسط هنرمند و تجلی آنها در اثر هنری می‌باشد و همه مسلمانان جهان، در هر نقطه زمانی و مکانی که هستند، باید به سمت آن مقام و صفات تقرب جویند و در نمازهای خود به سوی آن سجده نمایند. یعنی به عنوان جانشین خداوند در زمین، باید همان معرفت‌ها و مفاهیم را کسب نموده و در شیوه عملی خود، نظیر صفات فعلی خداوند عمل نمایند.

جامع‌ترین و مانع‌ترین توصیفی که از گرایشهای ذاتی انسان به سوی زیبایی مطلق و معبود یکتا شده است، در قرآن مجید با ارائه یکصد صفت حسن یعنی (عدد کامل) از صفات ذاتی و صفات فعلی خداوند است.^{۱۸} در برخی برداشت‌های دیگر از قرآن و احادیث، اسماء صفاتی و فعلی خداوند به تعداد بیشتر مطرح شده است. در هیچ مکتب زیبایی‌شناسی، اعم از فلسفی یا دینی، خداوند متعال یعنی (مفهوم زیبایی مطلق) با این تعداد از صفات مفهومی که مبنای مجموع راهبردها (صفات ذاتی) و راه کارهای عملی (صفات فعلی) است، معرفی و تبیین نشده است. بنابر این مقام قبله، یعنی نهایت ایده آنها و آرمانهای خود آگاه و ناخود آگاه، همه انسانها برای ادراک همه زیباییها و خلق عالیترین آثار شایسته به عنوان جانشین خداوند در زمین، آنچنان که احسن الخالقین در هنر و معماری آفرینش، خلق نموده است. بر روی کره زمین، هر انسانی در مجموع شرایط خاص زمانی و مکانی مختص خود قرار دارد و هیچ دو انسانی چه از نظر کمی (محیط دایره) و چه از نظر کیفی (محیط دایره‌ها) نزدیک تر به قبله در یک نقطه و شرایط یکسان نیستند.

از این واقعیت می‌توان چنین برداشت کرد که هر یک از انسان‌ها و هنرمندان در مجموع شرایط زمانی و مکانی متکثر خود قرار دارند. که با سایر انسانها یگانه نیست، بنابراین، مبدأ تصمیم‌گیری و رویکرد هنرمندان و معماران با توجه به شرایط محیطی آنها و مخاطبانشان متکثر و متنوع و متغیر می‌باشد. از هر یک از این نقاط متکثر بر روی کره زمین، اگر به خواهند همه صفات زیبایی را در ایده و اثر خود متجلی سازند، باید خط مستقیمی را به سوی قبله انتخاب و در آن جهت حرکت نمایند، تا در جهت ایده



یعنی از طریق اصول دهگانه مرحله سوم، اجتهاد تخصصی نموده و ایده و ایده آل های خود را به صورت کالبدهای متنوع، متشکل از ماده و صورت های خلاقانه در عالم طبیعت و یا با کلام، در ادبیات، متجلی و پدیدار سازند. در موضوع رابطه ایده با پدیده، یا معنا با صورت، دیدگاه های بسیار متفاوت و متضادی وجود دارد، که در یک جمع بندی آنها در سه رویکرد خلاصه می نماییم. (نمودار شماره ۸-۸)

و زمانی آنها یعنی (جهت قبله و زمان نماز) آنها متکثر و متنوع ولی همه آنها بسوی قبله واحد نماز می خوانند و هدف و غایت نهایی آنها یکی است. در مورد سبک ها و روش های هنری نیز می توان به سفر حج اشاره نمود یعنی از نقاط متنوع و متکثر از طریق راه های مختلف نظیر (هوایی، دریایی و یا زمینی) می توان به مکه سفر نمود. اما جهت و غایت این مسرها باید یکی باشد. در مجموع می توان گفت (سلیقه) افراد و (مدهای روز) تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی، متکثر و متنوع است، اما هنرمندان و معماران باید سلیقه های فردی و مدهای روز را به سمت صفات (ذاتی و فعلی) خداوند ارتقاء و تکامل بخشند.

نسبت اسلام با مرحله چهارم از فرایندهای انسانی
هنرمندان و معماران می توانند ایده آلهای و انگیزه های خود را که منبعث از مراحل یک و دو می باشد، از طریق یک شیوه و سبک هنری با رویکرد سیر از کثرت به وحدت،

نمودار شماره ۸-۸- رویکردها، در رابطه معنا با صورت یا پدیده (رابطه ایده های هنر مند با اثر هنری او)

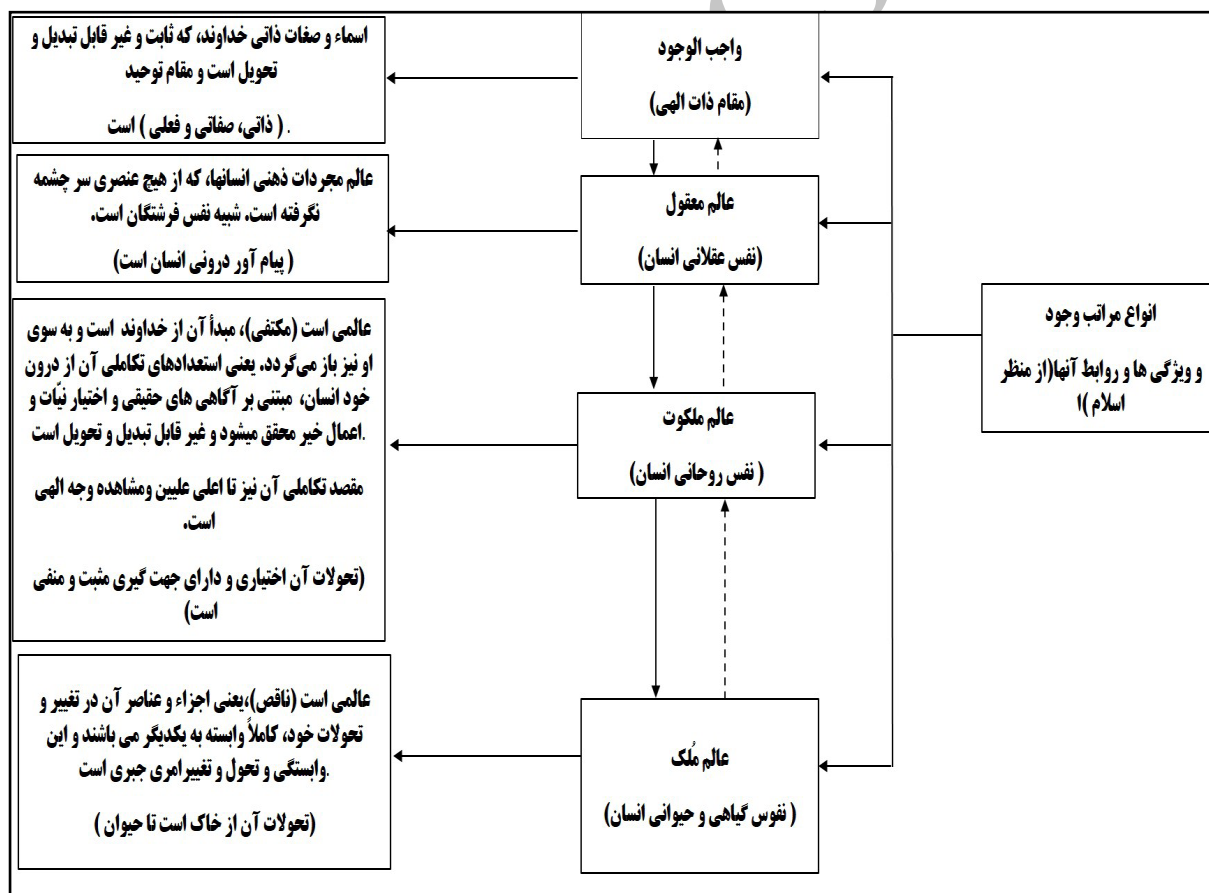
سبکهای متأثر	محتوای رویکرد	رویکردها
سنت گرایان تاریخی - توصیفی (نگاه باستانشناسی و تقلیدی به آثار تاریخی)	محتوا و ایده های هنرمندان فقط در یک نماد و یک نوع کالبد میتوانند تجسد و تعیین داشته باشند. بنابراین برای حفظ مفاهیم و ارزشهای ثابت و پایدار باید الگوها و نمادهای سنتی و تاریخی را تقلید و تکرار نمود.	۱- رویکرد تجسد گرایی (تجسد معنا در کالبد)
ساختار شکنان نظری، روشی و کالبدی. (معتقدین به تفسیر و تأویل مخاطب محور، یا گفتمانی و مشارکتی)	مفاهیم و ایده های هنرمندان، هیچ رابطه ای با آثار هنری آنها ندارند، اثر و متن هنری خنثی است و هنرمندان فقط ذهنیات شخصی خود را بازگویی نموده اند و مخاطبین هم ذهنیات خود را بازخوانی می نمایند... بنابراین این با توجه به خنثی بودن اثر هنری، و بی معنا و مفهوم بودن آن هیچگونه رابطه و تعامل فکری و فرهنگی بین هنرمند و مخاطبین نمی تواند برقرار شود.	۲- رویکرد خنثی بودن اثر هنری (مرگ مؤلف و هرمنوتیک معاصر)
سنت گرایان الهی، اصول گرایان اسلامی، معتقدین به تجلی نسبی مفاهیم در مواد و صورت های متنوع. معتقدین به اجتهاد مبتنی بر تجلی اصول ثابت (نظری و عملی) در آثار مبتنی بر مجموع شرایط محیطی متکثر و متنوع، از طریق اصول ده گانه اجتهاد. معتقدین به تفسیر و تأویل متن محور (مثال آن، آفرینش انسان با فطرت ثابت و کالبدهای متکثر است)	مفاهیم و ایده های هنرمندان، به صورت نسبی میتوانند در بی نهایت کالبد های جدید متنوع تجلی نمایند. بنابراین هنرمندان و معماران می توانند با حفظ مفاهیم ثابت و حقیقی نظری و احکام فرازمانی و فرامکانی عملی، با اجتهادی هنرمندانه، مبتنی بر مجموع شرایط زمانی و مکانی میلباردها کالبد متنوع، مناسب و شایسته خلق نمایند. بدین لحاظ رابطه بین هنرمندان و مخاطبین از طریق اثر هنری واجد مؤثرترین تأثیرات فکری و فرهنگی مثبت یا منفی خواهد بود.	۳- رویکرد تجلی معنا در صورت (آیه ای و نمادین)



و نثر را ترجمه ای از آیات و روایات معصومین (س) می دانند، با بیانی بدیع و خلاقانه، آثاراصیل معماری در دوران اسلامی نیز، ضمن حفظ اصول و جهت‌ها و غایت‌های انسانی و فرهنگی، به نظر بسیاری از کارشناسان جهان از بعد سبکی و خلاقیت بی بدیل و کم نظیر است. نکته اساسی در طرح رابطه معنا با صورت، به مسئله روابط عوالم وجود با یکدیگر مربوط می شود چنانکه می دانیم، از منظر حکمای اسلامی، این عوالم به چهار مرتبه خلاصه می شود.^۲ (نمودار شماره - ۹ -)

چنانچه در نمودار شماره ۸ - ملاحظه می نمائید، رویکردهای (تجسد گرائی) و (خنثی بودن اثر) نسبتی با فرهنگ اسلامی و فلسفه هنر آن ندارند و از بُعد نظری و از بُعد عملی و تجربه موفق تاریخی در تمدن اصیل دوران اسلامی، هر دو رویکرد نفی میشود. برای مثال چنانچه در ادبیات عرفانی ما ملاحظه می شود، شاعران و عارفان برجسته، ضمن حفظ مبانی فرهنگی - اعتقادی و ارزشهای اسلامی، آثار آنها سرشار از خلاقیت سبکی و بدایع مضمونی است. آنچنانکه مضمون بسیاری از آثار نظم

نمودار شماره ۹ - مراتب وجود، ویژه گیها و روابط آنها





از او نیستی مطلق است، اما در مورد فرایند های انسانی فقط از مفهوم (تجلی) بهره برداری می نماییم، به معنای آنکه، هنرمند ایده خود را در مواد و صورت های موجود با تصرف در آنها تجلی می بخشد.

انحرافات عظیم در فرهنگ و فلسفه هنر غربی، از دوران نوگرایی (مدرنیسم و پوزیتیویسم) با هستی شناسی تک ساحتی آن و محدود نمودن عوالم وجود به عالم ملک و با انسان شناسی ناقص و محدود نمودن تعریف انسان به نفس حیوانی، آغاز گردید. جریان های فرانگرائی (پست مدرنیسم) نیز همان محدودیت های بنیانی را در معرفت شناسی و انسان شناسی پیگیری نمود و طرح مباحث روان شناسی آن نیز، عملاً به شناخت غرائز نفس حیوانی انسان منجر شد و از فطرت الهی و روح ملکوتی انسان، که حقیقت وجودی و عنصر تعالی جوی اوست، غافل ماند. جریان های ساختار شکن (نظری، عملی و کالبدی) معاصر نیز، نتایج اجتناب ناپذیر همان دیدگاه های انحرافی یعنی غفلت از مراتب و عوالم وجود و غفلت از نفوس چهارگانه انسان و روابط آنها است این نفوس در حدیثی منقول از حضرت علی (ع) در پاسخ جناب کمیل، به زیبایی و کامل تشریح شده است.^{۲۲} (نمودار شماره ۱۰)

در مورد روابط عوالم وجود، از فرازی در خطبه اول نهج البلاغه بهره برداری می نماییم، که حضرت می فرمایند « خداوند درون پدیده ها است و با آنها یکی نیست و بیرون آنها است و از آنها جدا نیست »^{۲۱}. همین رابطه را می توان متشابه رابطه عالم معقول (مجردات ذهنی و مفهومی یا عالم معنا) با عالم ملکوت (نفس روحانی انسان) و عالم ملک (عالم ماده و صورتهای مملکی) دانست، یعنی مفاهیم و ایده های هنرمندان و معماران در پدیده های هنری و معماری آنها وجود دارد، اما با آنها یکی نیست، زیرا عوالم بالاتر، از هستی غنی تر و بسیط تری برخوردارند و در عالم پائین تر (تجسد) پیدا نمی کنند ولی به صورت آیه ای و نمادین (تجلی) پیدا می نماید. بدون اعتقاد به رابطه فوق، مفهوم یگانگی هستی یا (توحید اسلامی) نیز، قابل تصور و تصدیق نیست. و مفهوم (کثرت در وحدت) و (وحدت در کثرت) از این رابطه نتیجه می شود و مفهوم (سیر از صورت به معنا) و مفهوم (سیر از کثرت به وحدت) و بالعکس در فلسفه هنر اسلامی، که در ساختار و مراحل خلق آثار هنری و معماری و شهرسازی به آن اشاره شد از این رابطه سرچشمه می گیرد. تفاوت در فرایندهای الهی با فرایندهای انسانی را با این مفهوم تعبیر می نماییم که خداوند در مراتب وجود (نازل و متجلی) می شود، چون غیر

نمودار شماره ۱۰-۱- مراتب چهارگانه نفس انسان، قوا و خواص هر کدام (بر اساس حدیث امام علی ع)

خواص دوگانه نفوس انسان	قوای پنج گانه نفوس انسان					سرچشمه نفس	نفس انسان
تحریک در مقابل اتفاقات (محیطی) (انسان منفعل)	نگهدارنده و کنترل کننده	پرورش دهنده	دفع کننده	هضم کننده	جذب کننده	کبد	نفس نامی نباتی
خشنودی و ناراحتی نفس بهیمی (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی) (انسان منفعل)	لمس کردن	چشیدن	بوییدن	دیدن	شنیدن	قلب	نفس حسی حیوانی
مرز (انسانیت) انسان با (حیوانیت) او و مرز (آزادی و اختیار) انسان با (جبر حاکم) بر حیوانیت او							
حکمت و نزاهت (داوری و تشخیص بین حق و باطل، خیر و شر و زیبا و زشت و گرایش به حقیقت و خیر و زیبایی) (انسان فعال)	تنبه (بیداری و پند پذیری)	حلم (بردباری)	علم (دانایی)	ذکر (یادآوری)	فکر (تدبیر)	از چیزی سرچشمه نگرفته (شبیبه نفس فرشتگان است)	نفس ناطقه قدسی
رضایت و تسلیم (رضایت از هستی خود و جهان و تسلیم در برابر قوانین هستی) (انسان فعال)	صبر در بلاء	غنا در فقر	عزت در ذلت	تنعم در سختی	بقا در فنا	مبدأ آن از خداوند است و به او نیز باز می گردد.	نفس کلی الهی

و به نفس عقلانی و روحانی خود کفر ورزیده، از آن غافلند. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است که « مؤمن در مسجد مانند ماهی است در آب و منافق در مسجد مانند پرندۀ ای است در قفس.^{۲۷} ملاحظه می‌شود، در یک مکان ثابت، بسته به نوع مخاطب، دو نوع رویداد و دو نوع قرائت از محیط، ایجاد می‌شود. مؤمن یعنی کسی که، در ساحت عقلانیت و عبادت سیر می‌کند، مسجد را که فضائی درونگرا، سکون آفرین و تفکر برانگیز است، مناسب‌ترین فضا برای حضور قلب و خودآگاهی روحی خود تشخیص می‌دهد یعنی (ماهی درون آب است)، اما منافق، یعنی کسیکه در ساحت نفس حیوانی (حسی - غریزی) سیر می‌کند ولی در ظاهر برای عبادت به مسجد می‌آید، از آنجا که در فضای معنوی مسجد، زمینه‌ای برای سیر در آفاق و بهره‌برداریهای غریزی ندارد، بنابراین مانند (پرنده ای است که در قفسی گرفتار شده است) و تلاش می‌کند هر چه زودتر از مسجد خارج شود.

در حدیث دیگری، معصومین (س) می‌فرمایند «شرف المكان بالمکین».^{۲۸} یعنی حیثیت و شخصیت و شأن مکانها و فضاها، وابسته به حیثیت و شخصیت و شأن انسان هائی است، که در آن حضور می‌یابند. بنابراین مکان‌ها و فضاهای معماری نقش وسیله و زمینه مثبت یا منفی را برای مخاطبین فراهم می‌کنند و بهره‌برداری معنوی و تکاملی انسانها، در حوزه آگاهی و آزادی آنها قابل وصول است. نکته دیگری که در این مرحله بسیار حائز اهمیت است، دیدگاه اسلامی در مورد (تفسیر متن محور) است و تفسیر به رأی (تفسیر مخاطب محور) را بشدت تقبیح می‌کند. در مجموع از منظر اسلامی، تعاملات فرهنگی، از طریق آثار هنری، می‌تواند عمیق‌ترین تأثیرات مثبت یا منفی را بر مخاطبین بگذارد و از این جهت هنرمندان و معماران مسئول تأثیرات، آثار خود بر مخاطبین می‌باشند. (نمودار شماره - ۱۱) دو بعد (انواع) بودن انسان‌ها را مبتنی بر مجموع شرایط محیطی و بعد یک (نوع) بودن انسان‌ها را مبتنی بر روح الهی آنها، در رابطه هنرمندان با آثار هنری و مخاطبین مطرح نموده است.

از آنجا که نمودار فوق، نسبتاً کامل است و تشریح آن نیاز به بحث کافی دارد، در این مقاله به طرح آن بسنده نموده و علاقمندان را به منابع مربوطه ارجاع می‌دهیم.

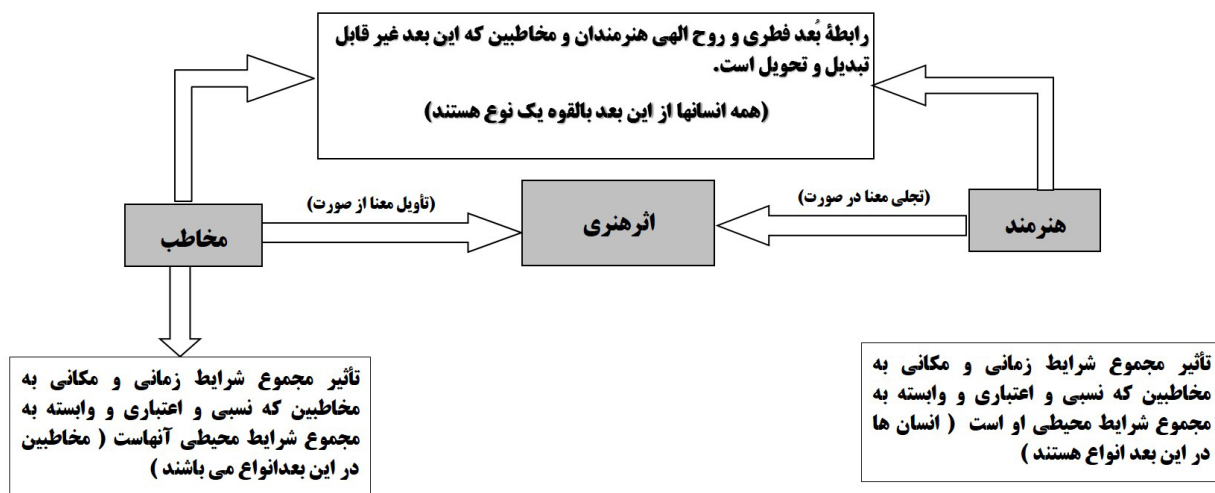
در مرحله پنجم از ساختار خلق آثار هنری، تأثیر آثار است بر خود هنرمند و مخاطبین آثار. در فرهنگ اسلامی در رابطه با آنچه اتفاق افتاده، تجربه شده و آثار گذشته است، مفهوم عمیق (عبرت) را مطرح می‌نماید. یعنی پند گرفتن از تجربیات گذشته، به نحوی که از نکات مثبت آن بهره‌مند گردیم و از نکات منفی آن مانند پل عبور کنیم و مجدداً دوچار آن نشویم. بهمین مضمون حدیثی اشاره می‌نماید که «مؤمن دو بار از یک سوراخ گزیده نمی‌شود».

بنابراین هنرمندان و معماران باید نسبت به نتایج آثار خود بر روی مخاطبان و محیط زیست حساس بوده و احساس مسئولیت نمایند. جریانهای که به اصطلاح (متن اثر هنر را خنثی) و (مرگ مؤلف) را اعلام می‌نمایند، کاملاً از این حقیقت غافلند، که افکار و رفتار و آثار انسانها، نهایتاً شخصیت و سرنوشت آنها را رقم می‌زند^{۲۹} و در صورتیکه از آنها عبرت گرفته شود، راه تکاملی و سیر متعالی انسان گشوده می‌گردد و این شیوه تنه‌راه سیر و سلوک تکاملی انسان چه از بُعد علوم تجربی و چه از بُعد روحی و معنوی است. نکته مهم و قابل توجه، تفکیک تأثیر آثار بر روی مخاطبین از بُعد مادی نسبت به بُعد معنوی آنها است. زیرا، ابعاد مادی آثار، جبراً بر محیط و بر مخاطبین تأثیر گذار هستند.

بعنوان مثال، ساختمانی که استانداردهای لازم عملکردی و مهندسی را رعایت نکرده باشد، قطعاً و جبراً برای بهره‌وران ایجاد مشکل می‌نماید. اما در بُعد معنوی و روحی، هنرمندان و معماران، تنها می‌توانند، زمینه و بستر لازم را ایجاد نمایند، زیرا تکامل معنوی و روحی در حوزه (آزادی) انسانها است و امری (آگاهانه و اختیاری) است. مخاطبین در مقابل هر اثر هنری، اگر آگاهی و انگیزه لازم رانداشته باشند، بهره‌برداری معنوی و تکاملی نخواهند داشت. به همین دلیل خداوند در قرآن، انسانهای غافل را همچون حیوانات، بلکه پست‌تر از حیوانات معرفی می‌نماید^{۳۰}، زیرا همچون حیوانات در ساحت (حس و غریزه) سیر می‌نمایند



نمودار شماره -۱۱- رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطبین از دیدگاه اسلامی که دارای دو بعد کثرت و وحدت هستند



اینجانب و همکاران و در کتاب (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی) و کتاب (تعامل ادراکی انسان با فضا در معماری) به عنوان یک نظریه جدید داور و تأیید شده و کتابهای (مبانی نظری معماری)، (رابطه انسان با طبیعت در معماری) و (حکمت اسلامی در هنر و معماری) به صورت مبسوط تر ارائه شده است.

نتیجه گیری:

نتایج این رساله در هر مورد با یک جدول جمع بندی و نتیجه گیری شده است، اما در جهت تبیین و تشریح دقیق تر نسبت اسلام با فرایندهای انسانی نمودارهای شماره های (۱۲، ۱۳، ۱۴) به شرح ذیل ارائه می شود.

با توجه به مقدمات فوق، یک تعریف نسبتاً جامع و مانع را در مورد رشته معماری به شرح ذیل پیشنهاد می نمایم. رشته معماری: « بازآفرینی و ساماندهی حکیمانه و عادلانه فضای زیست انسانها است، با عناصر طبیعی و مصنوعی متناسب با نیازهای مادی آنها و بسترسازی نیازهای روحی و تکاملی آنها».

تشریح و تبیین تعریف فوق و راهبردها و راهکارهای تحقق معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی و روشهای تحقیق مناسب برای مباحث میان دانشی را از منظر اسلامی در طرح تحقیقاتی انجام شده برای معاونت شهرسازی وزارت راه و شهرسازی (شهرهای جدید) با عنوان (تحقق پذیری معماری ایرانی - اسلامی، با تأکید بر هویت در شهرهای جدید) توسط



ارزیابی فرایندهای انسانی (معماری) از منظر اسلامی:

- مدل (مفهومی کاربردی) سلام - (SALAM):

۱- ارزیابی اثر معماری از بعد تأثیرات کیفی (معنوی):

ابعاد بستر ساز معنوی که کیفی و مبتنی است بر حقایق (نظری و عملی) - اصول آن (ثابت) و غیر وابسته به شرایط زمانی و مکانی است.						عناصر اصلی و کیفی در معماری	
نوع مخاطبین و حاضرین در فضای معماری	نوع ارتباط با بستر فرهنگی و تاریخی شهر و کشور	نوع ارتباط با بستر فرهنگی و اجتماعی شهر	نما و نمادها ی مطلوب و مناسب	آرایه های مطلوب و مناسب	ایده های فضایی - هندسی مطلوب و مناسب	مراحل خلق اثر معماری	
						۱	دانش و پیش معماری (معیارهای زیبایی شناسی)
						۲	نیت و انگیزه معماری (فلسفه هنر و حقوق)
						۳	روش عملی معماری (سبک های معماری و اخلاق حرفه ای)
						۴	اثر معماری (پدیده موجود)
						۵	تأثیرات بر مخاطبین
							تأثیرات بر معماری

است. با این ساختار و مراحل اسلامی آن می توان کلیه فرایندهای (انسانی) در ذیل (مشیت الهی) در کل هستی تبیین و مبتنی بر مکتب اسلام و اصول دین و اصول مذهب (مکتب تشیع) تشریح و مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته قرار داد.

در این فرا نظریه (بنیادی - کاربردی) مجموع (فرایندهای (انسانی) در ذیل (مشیت الهی) در کل هستی تبیین و مبتنی بر مکتب اسلام و اصول دین و اصول مذهب (مکتب تشیع) تشریح و مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته قرار داد.

ارزیابی فرایندهای انسانی (معماری) از منظر اسلامی:

- مدل (مفهومی کاربردی) سلام - (SALAM):

۲- ارزیابی اثر معماری از بعد تأثیرات کمی (مهندسی):

ابعاد مهم و موجود در مهندسی اثر معماری: کمی و مبتنی است بر اصول (عدالت و مصلحت) اصول آن (متغیر) و وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی است.						عناصر اصلی و کمی در معماری	
رعایت ابعاد اقلیمی، محیطی و پایداری ساختمان	رعایت ابعاد تاسیساتی ساختمان	رعایت ابعاد مقاومتی ساختمان	رعایت ابعاد اقتصادی ساختمان ن نگهداری از آن	روابط مطلوب عناصر عملکردی	عناصر لازم عملکردی و ابعاد مناسب آن	مراحل خلق اثر معماری	
						۱	دانش و پیش معماری (معیارهای زیبایی شناسی)
						۲	نیت و انگیزه معماری (فلسفه هنر و حقوق)
						۳	روش عملی معماری (سبک های معماری و اخلاق حرفه ای)
						۴	اثر معماری (پدیده موجود)
						۵	تأثیرات بر معماری
							تأثیرات بر مخاطبین



پی‌نوشت‌ها

- ۱- امام صادق در پاسخ فردی که از جبر یا آزادی انسان سؤال نمود، فرمودند: «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الأمرین». نه جبر است و نه اختیار، بلکه امری است بین دو امر دیگر. (ابن شهر آشوب، متشابه القرآن و مختلفه، ۱۳۶۴، جلد یک، صفحه ۱۹۳)
- ۲- وَیَوْمَ نُبْعَثُ فِی كُلِّ أُمَّةٍ شَهِیدًا عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِیدًا عَلَی هَؤُلَاءِ وَتَزَلُّوا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبَیِّنًا لِكُلِّ شَیْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُسْلِمِیْنَ. «[به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم و این کتاب را که روشن‌گر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است بر تو نازل کردیم» (سوره: النحل، آیه: ۸۹)
- ۳- قال رسول الله ص: إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي أهل بيبي إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبداً معاشر الناس إني منذر و علي هاد و العاقبة للمتقين و الحمد لله رب العالمين. (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۲) همانا من در میان شما دو گوهر گرانبها باقی گذاشته و شما را ترک نمیکنم یکی کتاب خدا و دیگر اهل بیت و عترتم را و اگر به آن دو توجه داشته و از آنها الگو بگیرید هرگز گمراه نمی شوید. ای گروه مردم همانا من بپیم دهندم هستم و علی هدایتگر شماست و عاقبت رستگاری برای پرهیزگاران خواهد بود و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است.
- ۴- مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَابِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُحَافِظًا عَلَي هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقْلَدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْبَعِيِّ لَا كَلِمَهُمْ. «از میان فقهاء هر کس خویشتن‌دار و نگهبان دینش باشد و با هوای خود مخالفت نماید و فرمان مولایش اطاعت کند عموم مردم باید از او تقلید کنند، این دسته بعضی از فقهای شیعه هستند نه همه آنان.» (شیخ چر عاملی، وسائل‌الشیعة: ج ۲۷، ص ۱۳۱)
- ۵- إِنْ اللَّهُ بِأَمْرٍ كَمِ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالتَّبَعِي يُعْظَمُ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید. (سوره: نحل، آیه: ۹۰). وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَعْلَمُونَ. و چون با خدا پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکند با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده‌اید زیرا خدا آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. (سوره: نحل، آیه: ۹۱)
- ۶- كِتَابَ رَبِّكُمْ فِیكُمْ: مُبِیِّنًا خَالَةً وَحَرَامَهُ، وَفَرَائِضَهُ وَفَضَائِلَهُ، وَنَاسِخَهُ وَمُنْسُخَهُ، وَرُحْصَهُ وَعَزَائِمَهُ، وَخَاصَّهُ وَعَامَّهُ، وَعَبْرَهُ وَأَمْثَالَهُ، وَمُرْسَلَهُ وَمَحْدُودَهُ، وَمُحْكَمَهُ وَمَتَشَابِهَهُ. (نهج البلاغه، خطبه ۱)
- ۷- امام صادق فرمودند: عَلَيْنَا إِقَاءُ الْأُصُولِ إِلَيْكُمْ وَ عَلَيْنَا التَّفَرُّعُ. «بر ماست ارائه اصول (راهنماهای نظری و عملی) و بر شماست اجتهاد فروع (خلق آثار مادی و صوری و غیره...)» (بحارالانوار ج ۲، ۲۴۵)
- ۸- فصلنامه اسراء، سال سوم - شماره دوم - صفحه ۳۱ (عبدالحسین خسرو پناه). در باره علم دینی) ایت اله جوادی املی
- ۹- فصلنامه اسراء - سال سوم - شماره دوم - صفحه اول مقاله آقای دکتر عبدالحسین خسرو پناه درباره نظریه آیت الله جوادی املی.
- ۱۰- حدیث از امام صادق (ع): «علینا بالقاء الاصول و علیکم بالتفریع».
- ۱۱- فَقَالَ خَالِدٌ لِحَمَّادٍ خَالَ حَالَ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ. (الكافی: ج ۱، ص: ۵۸).
- ۱۲- با بهره برداری از نظریه شهید مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۷۸، جلد ۲۰، ص ۱۶۱.
- ۱۳- پیامبر صلی الله علیه و آله: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ». آسمان‌ها و زمین، با عدالت، با برجا می‌مانند. (عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۰۳).
- ۱۴- حضرت علی (ع): «العدل وضع كل شيء في موضعه». یعنی عدالت، آن است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد. (فیض الاسلام، سیدعلینقی، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۵، حکمت ۳۰، ص ۱۱۰۰).
- ۱۵- حضرت فاطمه (س): «الْحَجَارُ ثُمَّ الدَّارُ». اول همسایه، سپس خانه. (مستدرک الوسائل ج: ۵، ص: ۲۴۴).
- ۱۶- از مجموعه بحث حضرت امام خمینی (ره) پیرامون قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام، یعنی در مضیقه قرار دادن، سخت گرفتن و عرصه را بر دیگران تنگ کردن در اسلام ممنوع است.
- ۱۷- در برخی برداشتهای دیگر از قرآن و احادیث، اسماء و صفات، ذاتی و فعلی خداوند به تعداد بیشتری مطرح شده است.
- ۱۸- إِنْ أَلَّ اللَّهُ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. «ما از آن خدا هستی، و به سوی او باز می‌گردیم.» (سوره: بقره؛ آیه: ۱۵۶)
- ۱۹- شهید مطهری - مجموعه آثار - جلد ۵ - صفحه ۱۵۸.
- ۲۰- مَعَ كُلِّ شَیْءٍ لَا يُمَاقَرَنُهُ، وَ غَيْرُ كُلِّ شَیْءٍ لَا يُمَاقَرَنُهُ. (نهج‌البلاغه: خطبه ۱، ص ۷۸).
- ۲۱- کتاب «هزار و یک نکته» حسن زاده املی، جلد ۲، ص: ۸۲۴، ۸۲۵.
- ۲۲- کتاب تعامل ادراکی انسان با ایده های فضایی - هندسی در معماری، عبدالحمید نقره کار. ص ۴۴
- ۲۳- پیامبر اکرم (ص): الْمُؤْمِنُ لَا يُلْدَغُ مِنْ حَجَرٍ مَرَّتَيْنِ. (بحارالانوار: ج ۱۹، ص: ۳۴۵)
- ۲۴- از معصومین سلام الله علیهم است که فرمودند: افکار، گفتار تو را، گفتار رفتار تو را، رفتار عادت‌های تو، عادت‌ها شخصیت تو و شخصیت تو سرنوشت ترا می‌سازد.
- ۲۵- أَوْلَيْكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَيْكَ هُمْ الْغَافِلُونَ. و در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. [آری،] آنها همان غافل‌ماندگاند. (سوره: الاعراف، آیه: ۱۷۹)
- ۲۶- المومن فی المسجد کالسمک فی الماء و المنافق فی المسجد کالطیر فی القفس. «مومن در مسجد مانند ماهی در آب است و به محیط خود احساس نیاز می‌کند و منافق در مسجد مثل پرند در قفس است و از محیط خود در تنگنا و گریزان است.» اگرچه مشهور است که این جمله از پیامبر اکرم (ص) است ولی طبق جستجوهای انجام شده سندی برای آن یافته نشده، تنها در دو کتاب از اهل سنت این جمله بدون انتساب به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نقل شده و به نظر می‌رسد سخنی از یکی از بزرگان بوده است. (کتاب "کشف الخفاء"، تألیف جلونی، ج ۲، ص ۲۹۵ و کتاب شرح سنن ترمذی به نام تحفه الاخوانی"، ج ۷، ص ۵۸)
- ۲۸- علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار به این حدیث اشاره کرده اند. اما در جستجوهای سندی که اشاره داشته باشد حدیث از کدام ائمه معصوم است نیافتیم.



منابع

- (۱) قرآن مجید.
- (۲) نهج البلاغه.
- (۳) ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۳۶۳. *عوالی الآلی*، ج ۴. قم: سید الشهداء.
- (۴) ابن شهر آشوب. ۱۳۶۴. *مشابه القرآن*. ج ۱. استانبول: وكالة المعارف الجلیه.
- (۵) العجلونی، إسماعیل بن محمد بن عبد الهادی. ۱۳۶۶. *كشف الخفاء*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۶) حسن زاده آملی، حسن. ۱۳۷۳. *هزار و یک کلمه*، جلد اول. قم: بوستان کتاب.
- (۷) خسروپناه، عبدالحسین. بابایی، قاسم. ۱۳۸۹. *چیستی و گستره علم دینی از نظرگاه آیت الله جوادی آملی*، *مجله اسراء* (۶): ۴۸-۲۷.
- (۸) کلینی، محمد ابن یعقوب. ۱۳۶۹. *اصول کافی*، ج ۱. تهران: اسلامیه.
- (۹) مجلسی، محمد تقی. ۱۳۷۹. *بحارالأنوار*، ج ۲. تهران: اسلامیه.
- (۱۰) مطهری، مرتضی. ۱۳۵۷. *حقوق زن در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.
- (۱۱) مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. *مجموعه آثار*، جلد ۵. تهران: صدرا.
- (۱۲) مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. *مجموعه آثار*، جلد ۲۰. تهران: صدرا.
- (۱۳) نوری، حسین بن محمدتقی. ۱۳۳۰. *مستدرک الوسائل*، ج ۱۱. قم: موسسه آل البيت(ع)، الاحیا التراث.
- (۱۴) نوری، حسین بن محمدتقی. ۱۳۳۰. *مستدرک الوسائل*، ج ۵. قم: موسسه آل البيت(ع)، الاحیا التراث.
- (۱۵) نقره کار، عبدالحمید. ۱۳۹۳. *تعامل ادراکی انسان با ایده های فضایی-هندسی در معماری*. تهران: امیر کبیر.

References

1. *The Holy Quran*
2. *The nahj al-balagheh*
3. Ebne Abi Jamhour, M. 1984. *Avali Al-Laali*. Vol 4. Qom: Sayyed Al-Shohada.
4. Ebne Shahr Ashoob. 1985. *Moteshabehat al-Quran*. Vol 1. Istanbul: Vekala al-Maaref al-Jaliah.
5. Al-Ajouni, E. 1987. *Kashf al-Khafa*. Beirut: Dar al-Ketab al-Elmiah.
6. Hassan Zadeh Amoli, H. 1994. *Thousand and One Word*. Vol 1. Qom: Boostane Ketab.
7. Kosro Panah, A. Babaei, Q. 2010. The nature and Extent of Religious Knowledge from the Viewpoint of Ayatollah Javadi Amoli. *Journal of Asra* (6): 27-48.
8. Koleini, M. 1990. *Kaffi Principles*. Vol 1. Tehran: Islamieh.
9. Majlesi, M. 2000. *Behar al-Anvar*. Vol 2. Tehran: Islamieh.
10. Motahhari, M. 1978. *Women's Rights in Islam*. Tehran: Sadra.
11. Motahhari, M. 1978. *Collected Works*. Vol 5. Tehran: Sadra.
12. Motahhari, M. 1978. *Collected Works*. Vol 20. Tehran: Sadra.
13. Noori, H. 1941. *Mostadrak al-Vasael*. Vol 11. Qom: Institue of Al al-Bait (p) al-Ahya al-Trath.
14. Noori, H. 1941. *Mostadrak al-Vasael*. Vol 5. Qom: Institue of Al al-Bait (p) al-Ahya al-Trath.
15. Noghrekar, A. *Humans Interact with the Space-Geometrical Ideas in Architecture*. Tehran: Amir Kabir.





The interrelation between Islam and human processes theory of (Salam) - "Strategies, guideline, and solutions for creating and evaluating art works , architecture and urbanism"

Abd-al-hamid Noghrehkar *

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science & Technology (IUST)

Received:28/8/2016

Accepted: 3/12/2016

Abstract

In order to achieve a new Islamic civilization, in between science topics such as creating works of art and architecture, it is necessary to present a conceptual model and a foundation. In terms of structure and process, this model should be comprehensive and content of each stage of the sources must be explicated according to islamic rules. In addition, this model should provide a structure, so that we can evaluate the quantitative and qualitative aspects of human processes and we should be able to criticize it. In this handbook we have explain the human processes in five stages and compulsory human processes (based on Figure - 1) are explained.

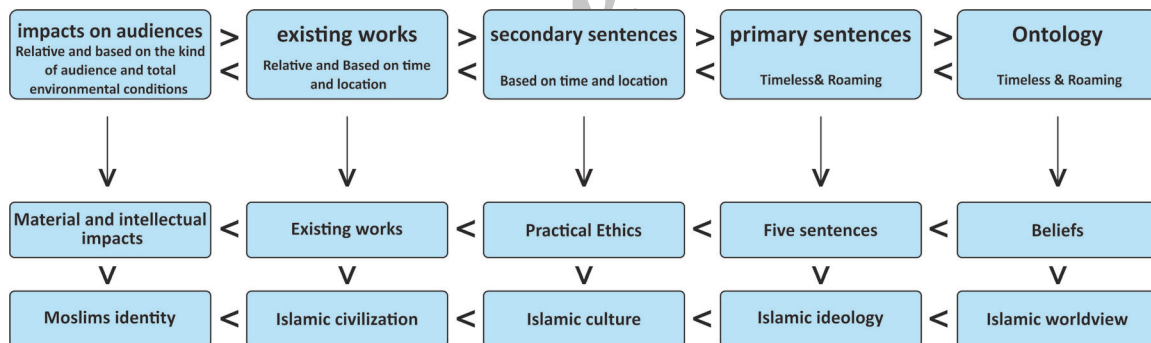


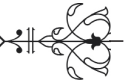
Figure - 1 - structure and levels of human processes

In the first stage: determination (world and people) Islamic point of view :

At this stage of actual and potential positive and negative tendencies of human beings and their needs and their relations with each other and the world of the comparative study and analysis between Islam and other schools in the world. This step is important threads about anthropology, epistemology, god, ontology, sociology, philosophy, history and the human relationship with the natural environment and artificial world as a whole. Of topics (beliefs) and the above categories (needs and instinctive inclination) people and the concept (Aesthetics) will be concluded by the Islamic laws.

In the second phase: the category (motivations and intentions) is voluntary and optional for every

* A_noghrehkar@iust.ac.ir



human beings.

From the perspective of Islamic motives, it is classified in five (solvents, recommended, permissible, detestable and forbidden) categories. They are called (five basic sentences).

In the third phase: one based on perception internal motivations (conceptual and divine) wants to practice or work in the natural world, made in (Material and natural forms). Islam (the Shia school) has ten principles to concepts and forms of expression in the world of nature, which is subjective.

. The humanitarian principles enables (artists, architects and urban planners) to make a detailed program and so would realize the conceptual and temporal and spatial learning with respect to the total circumstances of time and place in the natural world.

In the fourth phase: Based on the previous steps and talented person (speech, behavior or works) is produced which generally is manifested in the phenomenon of his ideas.

From an Islamic perspective, the phenomena like (incarnation) or (neutral), are nothing but a sign, such as human relationship with his own image.

In the fifth phase: works of man, material and spiritual has an impact on the audience and the subject. Material impacts are a mandatory issue and are related to the overall environmental conditions. But the spiritual influence is optional and depends on the relative audience. Artists and audiences have also two linkages. A relationship (innate, kind, eternal and fixed) and one type of relationship (relative, multiple, variable) is dependent on the total circumstances of time and place.

Islamic culture in the Shiite-based research methodology of this thesis is based on two source (wisdom and story). The above data through methods (logic) and (commentary - analysis) are investigated and approved.

According to Islam, what is (scientific), is rational and what is rational, is (Islamic) and the sources and bases of the above can be assessed and approved. In the process of this treatise, the relation of Islamic ideology with each one of the above-mentioned sources and bases will be discovered, assessed and compared with other competitive ideologies. At the end two tables will be introduced to assess the human processes. In the first table the quality impacts and content impacts will be studied and reviewed (figure number-2).

And in the second table, the effect of quantity and engineering work will be evaluated. (Figure - 3) It can open the door to reform of educational programs on topics such as between knowledge like (arts and architecture and urbanism).

And methods of research and design and construction management processes at all levels, are from an Islamic perspective and assist the executives and experts to assess the effects of those works.

Keywords: evaluation, process, Islam, architecture, strategy, tactic, solution, ejtehad.

